

مقدمه

به نام خدایی که در این نزدیکی است ...

تقدیم به Steve Jobs

مناظره Steve & Alireza

Steve: علیرضا! دوست نداشتی بجای نویسنده‌گی تو شرکت ما کار می‌کردی؟
Alireza: No! یعنی نه!

Steve: عقل نداری دیگه پسر جان!

Alireza: اساساً در کار ما عقل، جایگاه خیلی مهمی نداره، به قول حافظ:

«عاقلان نقطهٔ پرگار وجودند ولی عشق داند که در این دایره سرگردانند»

Steve: حافظ همونه که هرچی میگه شماها می‌گید عرفانیه؟

Alireza: نخیر؛ بعضیاش عرفانیه!

Steve: دست بردار مهندس! مثلاً این بیت‌ها کدوماش عرفانیه؟

«سه بوسه کز دو لب‌ت کرده‌ای وظیفهٔ من اگر ادا نکنی قرض دار من باشی»

«بگفتمش به لبم بوسه‌ای حوالت کن به خنده گفت کی‌ات با من این معامله بود؟»

«زلف آشفته و خو کرده و خندان لب و مست پیرهن چاک و غزل‌خوان و صراحی در دست»

«نرگسش عربده‌جو و لبش افسوس‌کنان نیم‌شب دوش به بالین من آمد بنشست»

«چارده ساله بتی چابک و شیرین دارم که به جان حلقه به گوش است مه چاردهش»

«می دوساله و محبوب چارده ساله همین بس است مرا صحبت صغیر و کبیر»

Alireza: next question please

Steve: نه دیگه! نییچون! جواب بده! آگه اینا عرفانیه حتماً منم عارفم و منظورم از میکده‌های

کالیفرنیا، عرفانیه 😊

Alireza: نه اینا عرفانی نبود! حالا بیخیال شو و حرف‌های 18+ زن!

Steve: Ok؛ راستی این کتاب آرایه‌های ادبی که نوشتی به چه دردی می‌خوره؟ هی درختا

رو می‌بزید و کتابش می‌کنید که چی؟ ما چی تولید می‌کنیم، شما چی؟

Alireza: استیو جان! در مورد چیزی که اطلاع نداری اظهار نظر نکن، داداش! بچه‌ها کلی آرایه

یاد می‌گیرن، کلی تکنیک، کلی تست و کلی شعر عرفانی!

Steve: که چی بشه؟

Alireza: که برن دانشگاه! خوباشون بیان پیش شما! متوسطاً و ضعیفاشون هم همین‌جا بالاخره

یه کاری پیدا می‌کنند!

Steve: الآن، نوید، پسر، دوست داره آرایه ادبی بخونه یا با iPhone Xs آشنا بشه!
Alireza: این چه حرفیه! معلومه که دوست داره آرایه ادبی یاد بگیره و با فرهنگ و عرفان و ادبیات و اینا آشنا بشه!

Navid: علی، خالی نبندا!

Alireza: اه! نوید تو وسط مناظره چیکار می کنی؟ استیو یه اعتراف کنم حال کنی؟
Steve: کن!

Alireza: می دونی که من خیلی مولوی رو دوست دارم.

Steve: مولوی کیه! آهان همون Rumi! این الآن اعتراف بود؟! تو ایالات متحده جهانخوار خودمون هم، کلی طرفدار داره!

Alireza: نه بابا! اعتراف چیز دیگه‌ای بود! رفته بودیم قونیه، مزار مولانا، به نوید گفتم صفا می کنی چه جایی آوردمت؟ چه فضای عرفانی باحالیه؟ گفت من ترجیح می‌دهم به جای قبر مولوی برم سر قبر استیو جابز تو کالیفرنیا!

Steve: ایول نوید! می‌گم تیم کوک، یک اپل واج سری ۴ برات بفرسته!

Navid: وای چه صحنه عاطفی و عرفانی پدید اومد! علی یاد بگیر! این همه رفتی قونیه مولوی برات یک جلد فیه ما فیه هم نفرستاد!

Alireza: راستی استیو، تو خدایی بجز اون شلوار لی و تی شرت مشکی که به طور ضایعی می‌ذاشتی تو شلوارت، لباس دیگه‌ای نداشتی خسیس؟

Steve: به قول سعدی شما:

«تن آدمی شریف است به جان آدمیت نه همین لباس زیباست نشان آدمیت»

Alireza: Wow؛ بابا دمت گرم! از کجا بلدی؟

Steve: یک پسره آمریکایی تو TV یه بار خوند حفظ شدم! علیرضا؛ یه کم بگو این کتابت چجوریه شاید یه app براش ساختم.

Alireza: ۵ تا فصل داره:

فصل ۱ ← توضیح دادم که کلاً چجوری کار کنند و برنامه درست برای آرایه چیه!

فصل ۲ ← تک‌تک آرایه‌ها رو با کلی مثال توضیح دادم و تست هر آرایه رو آوردم؛ دو تا ضمیمه هم داره برای نکات تکمیلی و قالب‌های شعری و اختصاصی انسانی

فصل ۳ ← مدل‌ها و تکنیک‌های ابداعی و باحال رو گفتم

فصل ۴ ← تست کلی با تیپ‌بندی آوردم

فصل ۵ ← پاسخنامه تشریحی هم واجب بود دیگه!

Steve: از فصل ۳ خوشم میاد؛ کلاً تکنیک و مدل باحاله! ولی یه پیشنهاد دارم برات! مثل هم کلاسبات، پاشو بیا اینور پیش ما (البته پیش تیم کوک اینا! ما که دستمون از این دنیا کوتاهه و اهل قبور محسوب می‌شیم) همه امکاناتی بهت می‌دیم؛ دلارمون هم قیمتش عوض نمی‌شه! آزادی پس از بیان هم احتمالاً داری! پاسپورتمونم خفته! هومونم آلوده نیست! ریزگرد و اینا هم نداریم!

Alireza: اولاً شما هم طوفان و سیل و خشونت دارین؛ خوبشم دارین! ثانیاً من عاشق ایرانم!
اینو بفهم!

Steve: خیلی خب حالا! اصلاً نیا! انگار حالا بگه میام راهش میدن! رئیس جمهور ما رو حال
می کنی!

Alireza: حرف سیاسی forbidden!

Steve: یه جلد آرایه برام بفرست شاید خواستم بعداً باهات کل کل کنم! اینجا کاری ندارم
بکنم تو قبر! میشینم میخونم! راستی آخر مقدّمه شماها عادت دارین از همه تشکر کنید. تو هم
تشکر کن! می‌خوام برم! به IOS جدید بدم توش از ایهام و حسن تعلیل استفاده شده باشه!

Alireza: سپاس از تمام مجموعه‌الگو از آقای محمدحسین متولی، خانم سکینه مختار، بچه‌های
گروه تایپ و ویراستاری: مهرناز قجری، فرزانه فرزانیان، محدّثه مرادی، نجمه بوریا باف، مرضیه
قاسمی، فائزه درخشسی، راضیه صالحی و فاضله محسنی، زهرا خانم فیض به خاطر طراحی‌های
داخل کتاب، نعیم تدین به خاطر طرح جلد زیبا، حمید فخری و مرتضی فخری، مهدی و امید و
یوسف و مهرداد و رضا

Steve: نوید خداحافظ! ولی الآن Xs نخر، وایسا سال بعد یه خفن ترش میاد!

Navid: استیو من! تقدیم به تو:

«مرا به کار apple هرگز التفات نبود رخ تو در نظر من چنین خوشش آراست»

Alireza: خداروشکر هم نوید شعر خوند هم تو! و من به هدفم رسیدم.

bye for ever Steve & rest in peace!

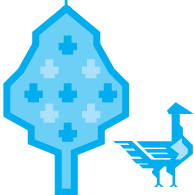
زندگِ صهنه یکتا هنرمندِ ماست

هر کس نغمه خود فولاندر و از صهنه رود

صهنه پیوسته به ماست

فرم آغ نغمه که مردم بسیارند به یار...

علیرضا عبدالمحمّدی



فهرست

اصطلاحات ادبی، نکات تکمیلی و قالب‌های

شعری ۱۵۴

ضمیمه تکمیلی اختصاصی انسانی .. ۱۵۹

فصل سوم: تکنیک‌ها و مدل‌ها

تکنیک خوب - بد - زشت ۱۶۷

تکنیک موک ۱۷۵

تکنیک حذف گرینه ۱۷۷

فصل چهارم: تست کلی و ترکیبی

تیپ A ۱۸۰

تیپ B ۲۱۲

تیپ C ۲۳۵

تیپ C' ۲۶۱

تیپ D ۲۶۴

تیپ E ۲۸۸

تیپ F ۲۹۹

تیپ G ۳۰۴

تیپ H ۳۰۷

تیپ I ۳۱۱

فصل پنجم: پاسخ‌های تشریحی ۳۲۱

فصل اول: دو کلمه حرف حساب

پاسخ چند پرسش متداول ۲

فصل دوم: تک آرایه‌ها

تشبیه ۶

استعاره ۲۱

تشخیص ۳۴

کنایه ۴۴

مجاز ۵۷

حسن آمیزی ۶۶

حسن تعلیل ۷۰

اسلوب معادله ۷۴

تضاد ۷۹

پارادوکس ۸۸

ایهام ۹۴

ایهام تناسب ۱۰۲

تلمیح ۱۰۵

تضمین ۱۱۲

اغراق ۱۱۵

مراعات نظیر ۱۲۰

جناس ۱۲۶

نکرار ۱۳۷

سجع ۱۴۱

واج آرایی ۱۴۵

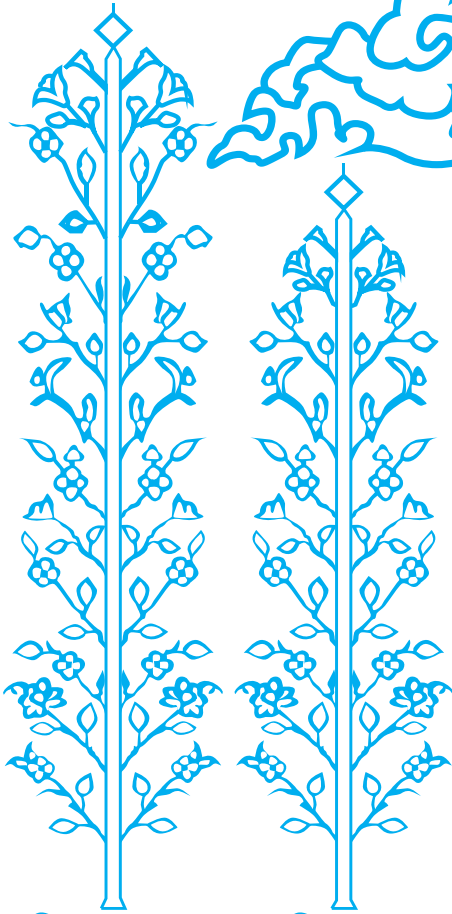
تمثیل ۱۵۰

نماد ۱۵۲

فصل اوّل

دو کلمه

حرف حساب



پاسخ چند پرسش متداول

پرسش A

تست‌های آرایه‌های ادبی، عموماً کَلّی و ترکیبی طرح می‌شوند یا به صورت تک آرایه‌ای؟

پاسخ: بررسی دقیقی روی صد تستِ اخیر کنکور سراسری انجام دادم و این نتیجه حاصل شود:

✓ تست‌های تک آرایه‌ای ← ۱۱٪

✓ تست‌های کَلّی و ترکیبی ← ۸۹٪

پرسش B

آیا آرایه‌های ادبی کتاب‌های درسی را حفظ کنیم؟

پاسخ: که چه بشود؟! وقتی معمولاً (تقریباً همیشه) ابیاتِ خارج از کتاب، از شما سؤال می‌شود، حفظ کردن آرایه‌های ابیاتِ کتاب درسی به جز تنفر از درسِ شیرین ادبیات، چه ارمغانی خواهد داشت؟! تنها چیزهایی که حفظ می‌کنیم باید این‌ها باشد:

✓ لغات ایهام‌خیز

✓ بیت‌ی که نکتهٔ آرایه‌ای خاص و عجیب دارد!

پرسش C

چگونه از این کتاب استفاده کنیم تا بهرهٔ بیشتر و بهتری ببریم؟

پاسخ: ابتدا تک آرایه‌ها، سپس تکنیک‌ها و آنگاه تست‌های کَلّی و ترکیبی

پرسش D

دربارهٔ سوال C بیشتر توضیح دهید؛ کم بود.

پاسخ: چشم؛ بعد از خواندنِ درسنامهٔ هر آرایه، مثال‌های آن را بررسی کنید - تا حدّی که حس کنید کافی است! - بعد به سراغ تستِ آن آرایه بروید.

پرسش E

آیا کَلّ تست‌های یک آرایه را بزنییم و بعد به سراغ آرایهٔ بعدی برویم؟

پاسخ: خیر! هر شب آرایه‌تان را عوض کنید! و باقی‌ماندهٔ تست‌ها را در دوره‌های بعدی بزنیید.

پرسش F

آیا ترتیب آموختن تک آرایه‌ها، باید بر اساس ترتیبی که شما در این کتاب قرار داده‌اید باشد یا می‌توان جابه‌جا هم کرد؟

پاسخ: جابه‌جا کردن اشکالی ندارد.

پرسش G

چه وقت به سراغ تکنیک‌ها و مدل‌ها و تست کلی و ترکیبی برویم؟

پاسخ: بعد از اینکه حداقل، یک صفحه از هر آرایه کار کردید، فصل تکنیک‌ها و مدل‌ها را با دقت و حوصله بخوانید و بعد به سراغ تست کلی و ترکیبی بروید.

پرسش H

زدن تست‌های کلی، ترتیب و مقدار خاصی دارد؟

پاسخ: بله؛ شبی یک صفحه تست کلی بزنید و در شب‌های بعدی، تیپ سؤال را عوض کنید.

پرسش I

تیپ سؤال چیست؟

پاسخ: به فصل تست‌های کلی که برسید، متوجه می‌شوید که تست‌های کلی را بر اساس شکل، تیپ‌بندی کرده‌ام و نحوه برخورد با هر یک را هم توضیح داده‌ام.

پرسش J

بعد از اتمام تست‌های کلی به سراغ تست‌های باقی‌مانده از تک آرایه‌ها برویم؟

پاسخ: خیر! فرض کنید امشب یک صفحه تست کلی زدید! بعد از بررسی و تحلیل تست‌ها متوجه می‌شوید که مثلاً در آرایه X مشکل دارید. برنامه فردا شب شما، دیگر تست کلی نیست و یک صفحه از همان آرایه X است. البته مجدداً، شب بعد از آن، باید به تست کلی برگردید و این رفت و برگشت را ادامه دهید. به عبارتی شما وقتی وارد تست کلی شدید، هر شب، یک صفحه تست کلی بزنید تا جایی که در صفحه‌ای متوجه شوید، روی آرایه خاصی مشکل دارید که برنامه فردا شب‌تان آن آرایه خاص خواهد بود.

پرسش K

آیا تست‌هایی را که درست می‌زنیم هم، پاسخ تشریحی‌شان را بررسی کنیم؟

پاسخ: بله! اساساً اصلی‌ترین جای یادگیری، تحلیل و تشریح تست است. حاشیه‌نویسی، رفع اشکال و بحث فراموش نشود.

پرسش L

اگر کسی در تدریسِ مدرسه‌ای آرایه مشکل داشت چه کند؟

پاسخ: از دی‌وی‌دی آرایه‌های ادبی همراه با جزوه‌اش استفاده کند.

پرسش M

آیا می‌توان گفت به طور کلی و میانگین، سخت‌ترین تست‌های آزمون‌ها، معمولاً تست‌های آرایه‌های ادبی است؟

پاسخ: بله و به همین دلیل است که باعث تفاوت بین دانش آموزان می‌شود و بچه‌هایی که می‌خواهند از بقیه فاصله بگیرند، روی این مبحث مهم، عمیق کار می‌کنند.

پرسش N

به طور میانگین هر شب (یا هر روز!) چقدر زمان برای آرایه بگذاریم؟

پاسخ: حدوداً ۱۰ دقیقه.

پرسش O

و یک بیت بخوانید که زیرآب آرایه در آن زده شود.

پاسخ: به قول ایرج میرزا: شاعری، طبعِ روان می‌خواهد / نه معانی، نه بیان، می‌خواهد

مواظب خودتان باشید و از ادبیات لذت ببرید

علیرضا عبدالحمّدی



فصل دوم

تک آرایه‌ها

استعاره

اگر در تشبیهی یکی از ارکان اصلی (مشبهه - مشبه) را بیاوریم و دیگری را نیاوریم، استعاره ایجاد می‌شود. استعاره، به کار بردن کلمه‌ای است به جای کلمه دیگر به دلیل شباهت آن‌ها!

نکته

در استعاره در حقیقت از شباهت بین دو چیز، به مرحله‌ی یکی شدن دو چیز می‌رویم.

انواع استعاره:

۱- مشبه‌به به جای مشبه بیاید. (مصرّحه) (این نوع استعاره در حقیقت نوعی مجاز است!!)

مثال دیو را در وجود خودت بکش (دیو استعاره از نفس است. در حقیقت، نفس که مانند دیو بوده است را در وجود خودت بکش؛ که مشبه (نفس) حذف شده و مشبه‌به (دیو) به جای آن آمده است.)

۲- مشبه به جای مشبه‌به بیاید. (مکنّیه)

مثال خورشید شکفت (خورشید مانند گل شکفت. در حقیقت مشبه‌به (گل) حذف شده است و مشبه (خورشید) باقی مانده و استعاره ایجاد کرده است.)

هرگاه خصوصیت چیزی به چیز دیگری نسبت داده شود، استعاره «مکنّیه» ایجاد می‌کند.

مثال می‌تراود مهتاب (تراویدن، چکیدن، ترشح کردن) خصوصیت آب است که به مهتاب نسبت داده شده است. در حقیقت مهتاب مثل آب می‌تراود که مشبه‌به حذف شده و استعاره «مکنّیه» ایجاد شده است.)

هر تشخیصی، استعاره است. چراکه در تشخیص، خصوصیت چیزی (انسان) به چیز دیگر (غیرانسان) نسبت داده می‌شود (در بحث تشخیص به این موضوع پرداخته‌ام).

مثال «دیوار می‌خندد» تشخیص دارد، پس استعاره هم دارد. چراکه در اصل «دیوار مثل آدم می‌خندد» بوده است که مشبه‌به (آدم) حذف شده و مشبه (دیوار) باقی مانده است.

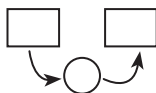
هرگاه کلمه‌ای به جای کلمه دیگر بیاید و رابطه آن دو شباهت باشد، استعاره (مصرّحه) ایجاد می‌شود. دقت کنید هر استعاره از این نوع (مصرّحه) در حقیقت زیرمجموعه آرایه مجاز است، چراکه در تعریف مجاز داشتیم کلمه به معنی اصل خود به کار نرود و معنی دیگری بدهد.

مثال من آمم که در پای خوکان نریزم مر این قیمتی درّ لفظ دری را خوکان به معنی پادشاهان ظالم به کار رفته، پس چون در معنی حقیقی خود نیست، مجاز داریم و چون رابطه خوکان و پادشاهان ظالم شباهت است (پادشاهان ظالم مانند خوکان بی‌ارزش و کثیف هستند)، مجاز از نوع استعاره است و استعاره (مصرّحه) داریم.

اضافه استعاری

هر اضافه استعاری، استعاره (مکنیه) است. اضافه استعاری چند شرط دارد:

- ۱- ترکیب اضافه باشد (مضاف و مضاف‌الیه)، نه وصفی (صفت و موصوف).
- ۲- اضافه تشبیهی نباشد.
- ۳- اضافه اقترانی نباشد.
- ۴- مضاف واقعاً متعلق به مضاف‌الیه نباشد.
- ۵- در حقیقت مضاف‌الیه را به چیزی تشبیه کرده باشیم که مضاف از اجزا یا خصوصیات آن چیز باشد. نظیر چنین شکلی:



مثال دست روزگار

- ۱- اضافه است، نه وصفی
- ۲- تشبیهی نیست (چرا که روزگار، شبیه دست نیست)
- ۳- اقترانی^۱ نیست (چرا که نمی‌توانیم بگوییم دست به نشانه روزگار)
- ۴- واقعاً روزگار دست ندارد.
- ۵- در حقیقت روزگار را به انسانی تشبیه کرده‌ایم که یکی از خصوصیات آن (دست) را به‌عنوان مضاف آورده‌ایم.

۱- اضافه اقترانی دو شرط دارد:

(الف) ترکیب اضافه باشد، نه وصفی

(ب) بین مضاف و مضاف‌الیه بتوان کلماتی مانند به نشانه، به منظور، به منزله و... اضافه نمود و جمله را با آن کامل کرد.

مثال دست ادب: اولاً اضافه است، ثانیاً می‌توان گفت دست به نشانهٔ ادب دراز می‌کنم (پس اقترانی است).

مثال سر ارادت: اولاً اضافه است، ثانیاً می‌توان گفت سر را به نشانهٔ ارادت خم می‌کنم (پس اقترانی است).

مثال چشم حقارت: چشم به نشانهٔ حقارت به کسی انداختن (پس اقترانی است).

مثال گشت یکی چشمه، ز سنگی جدا غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا
 غلغله‌زن بودن چشمه، تشخیص است و می‌دانیم هر تشخیصی، آرایهٔ استعاره ایجاد می‌کند. تمام مثال‌هایی که در قسمت آرایهٔ تشخیص همین فصل آورده‌ام، استعاره هم دارند (چون هر تشخیصی، استعاره است) و برای اینکه تکرار نشوند در اینجا آن مثال‌ها را نمی‌آورم ...!



مثال

از سیم به سر یکی گله‌خود ز آهن به میان یکی کمر بند

گله خود سیمین ← استعاره از قلّهٔ پربرف کوه

کمر بند آهنین ← استعاره از دامنهٔ کوه

تو قلب فسردهٔ زمینی از درد، ورم نموده یک چند

«قلب زمین» اضافهٔ استعاری است؛ زمین را به انسانی تشبیه کرده‌ایم و قلب که یکی از اجزای آن است در مضاف آورده‌ایم.

نخستین بار گفتش کز کجایی؟ بگفت از دارملک آشنایی

«دار ملک آشنایی» اضافهٔ استعاری است؛ در حقیقت آشنایی به کشوری تشبیه شده و یکی از اجزای کشور که دار ملک (پایتخت) است در مضاف آمده.

ای دیو سپید پای در بند ای گنبد گیتی ای دماوند

دیو سپید ← استعاره از کوه دماوند

ای دیو سپید ← تشخیص دارد، پس استعاره هم دارد.

پای در بند بودن دماوند ← تشخیص است، پس استعاره است.

گنبد گیتی ← استعاره از دماوند

ای گنبد گیتی ← مخاطب قرار دادن گنبد گیتی تشخیص است، پس استعاره است.

گنبد گیتی ← اضافه استعاری است، چرا که گیتی را به بنایی تشبیه کرده‌ایم و گنبد را که از اجزای آن است در مضاف آورده‌ایم.

ای دماوند ← تشخیص است، پس استعاره هم هست.

آتش است این بانگ نای و نیست باد هرکه این آتش ندارد نیست باد

آتش (در مصراع دوم) ← استعاره از عشق

آه این سر بریده ماه است در پگاه؟ یا نه! سر بریده خورشید شامگاه؟

ماه و خورشید ← استعاره از شهید حججی

مرد نقال آن سکوتش ساکت و گیرا/ و دمش، چونان حدیث آشنایش گرم / راه می‌رفت
و سخن می‌گفت

حدیث آشنا ← استعاره از داستان‌های شاهنامه

مرد نقال از صدایش ضجه می‌بارید / و نگاهش مثل خنجر بود.

ضجه می‌بارید ← استعاره است؛ در حقیقت ضجه را به بارانی تشبیه کرده‌ایم و یکی از خصوصیات آن را (باریدن) آورده‌ایم.

این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد

کلید گنج مروارید ← استعاره از لبخند

گنج مروارید ← استعاره از دهان

مروارید ← استعاره از دندان

پهلوان هفت‌خوان، اکنون / طعمه دام و دهان خوان هشتم بود

دهان خوان هشتم ← اضافه استعاری است. خوان هشتم را به انسانی تشبیه کرده که یکی از اجزای آن دهان است و اینجا آورده شده؛ منظور کل ترکیب، چاهی است که رستم را در خود جا داد.



تست استعاره



۴۰ در همهٔ گزینه‌ها آرایهٔ استعاره وجود دارد، به‌جز گزینهٔ

- ۱) بروید ای حریفان، بکشید یار ما را
 - ۲) کدام دانه فرورفت در زمین که نرست
 - ۳) به کهربایی کاندرو دولعل تو درجست
 - ۴) برای من مگری و مگو دریغ دریغ
- به من آورید آخر، صنم گریزپا را
چرا به دانهٔ انسانت این گمان باشد
که گشت از آن مه و خورشید و ذرهٔ جویانت
به دام دیو درافتی دریغ آن باشد

۴۱ در کدام بیت، واژهٔ مشخص شده در معنای استعاری به کار نرفته است؟

- ۱) چو لشکر گرد بر گردش گرفتند
 - ۲) فرو می‌ریخت گردی زعفران‌رنگ
 - ۳) چه اندیشید آن دم، کس ندانست
 - ۴) در آن دریای خون در قرص خورشید
- چو کشتی، بادپا در رود افکند
به روی نیزه‌ها و نیزه‌داران
که مژگانش به خون دیده تر شد
غروب آفتاب خویشتن دید

۴۲ در کدام بیت آرایهٔ استعاره وجود ندارد؟

- ۱) از چنبر نفس رسته بودند آن‌ها
 - ۲) بی‌تاب نظیر جوشش چشمهٔ رود
 - ۳) چون سیل ز پیچ و تاب فردا می‌رفت
 - ۴) رازی که خطرکنندگان می‌دانند
- بت‌ها همه را شکسته بودند آن‌ها
این رود به جست و جوی دریا می‌رفت
همراه سحر به فتح فردا می‌رفت
در بازی خون برندگان می‌دانند

۴۳ در کدام گزینه استعاره وجود دارد؟

- ۱) یکی بی‌زیان مرد آهن‌گرم
 - ۲) هم آن‌گه یکایک ز درگاه شاه
 - ۳) مگر کز شمار تو آید پدید
 - ۴) نباشم بدین محضر اندر گوا
- ز شاه آتش آید همی بر سرم
برآمد خروشیدن دادخواه
که نوبت به فرزند من چون رسید
نه هرگز براندیشم از پادشا

۴۴ در همهٔ ابیات زیر به‌جز بیت آرایهٔ استعاره وجود دارد.

- ۱) چو آن آهنین کوه آمد به دشت
 - ۲) چنین آن دو ماهر در آداب ضرب
 - ۳) به‌جز بازوی دین و شیر خدا
 - ۴) پرید از رخ کفر در هند رنگ
- همه رزمگه کوه فولاد گشت
ز هم رد نمودند هفتاد حرب
که شد طالب رزم آن ازدها
تپیدند بت‌خانه‌ها در فرنگ

۴۵ در عبارت زیر کدام کلمه استعاره ایجاد کرده است؟

«چون او را در بند بلا بسته دید، زه آب دیدگان بگشاد و بر رخسار، جوی‌ها براند.»

۱) جوی‌ها ۲) زه آب ۳) بند ۴) رخسار

۴۶ در کدام گزینه «استعاره» وجود ندارد؟

۱) خاموشی دریا و هیاهوی خاک و موسیقی آسمان را در خود دارد.

۲) چراغ‌دان را هم که همیشه صبورانه در سایه می‌ایستد از یاد مبر.

۳) از شعله به خاطر روشنایی‌اش تشکر کن.

۴) چارپا روی خاک هیاهو می‌کند.

۴۷ در کدام گزینه «استعاره» وجود ندارد؟

۱) گر هزاران دام باشد هر قدم چون تو با مایی نباشد هیچ غم

۲) چنین گفت: کای رسته از چنگ شیر جدامانده از زخم شیر دلیر

۳) در چراغ دو چشم او زد تیغ نامدش کشتن چراغ دریغ

۴) بلی آنان که از این پیش بودند چنین بستند راه ترک و تازی

۴۸ در کدام بیت «استعاره» دیده می‌شود؟

۱) برو هرچه می‌بایدت پیش‌گیر سر ما نداری، سر خویش گیر

۲) یکی درخت گل اندر میان خانه ماست که سروهای چمن، پیش قامتش پستند

۳) به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

۴) ماراسری است باتو که گر خلق روزگار دشمن شوند و سر برود هم بر آن سریم

۴۹ در بیت: «عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت / فتنه‌انگیز جهان نرگس جادوی تو

بود»، کدام واژه استعاره دارد؟

۱) جادو ۲) جهان ۳) نرگس ۴) عالم

۵۰ کدام ترکیب «اضافه استعاری» است؟

۱) برق عجب ۲) پرده اشک ۳) روح باران ۴) کوره چشم

۵۱ «مفعول» در کدام گزینه دارای صنعت «استعاره» است؟

۱) باران اشک، از ابر دیدگان، جاری ساخت.

۲) ظلمت جهل را از اندیشه خود دور کرد.

۳) دیو نفس را در وجود خود نابود کرد.

۴) دیو را در وجود خود نابود کرد.

۵۲ در کدام بیت آرایه «استعاره» وجود دارد؟

- ۱) آه از آن جور و تطاول که در این دامگه است
 - ۲) شاکر نعمت به هر مقام که بودیم
 - ۳) یاد باد آنکه سر کوی توام منزل بود
 - ۴) ما برون را ننگریم و قال را
- آه از آن سوز و گدازی که در آن محفل بود
داعی دولت به هر طریق که هستیم
دیده را روشنی از خاکِ درت حاصل بود
ما درون را بنگریم و حال را

۵۳ در کدام گزینه «استعاره» وجود دارد؟

- ۱) توانگر فاسق کلوخ زراندود است.
- ۲) چراغ حیات به وزش باد ملمات فرو می‌رود.
- ۳) در زیر این طاق بلند، سخن از عدالت بسیار گفته‌اند.
- ۴) علم، سلاح جنگ شیطان است.

۵۴ کدام گزینه «اضافه استعاری» است؟

- ۱) چشم دل
- ۲) شاهد مقصود
- ۳) کوه غم
- ۴) مهد زمین

۵۵ در کدام گزینه، صنعت «استعاره»، به کار رفته است؟

- ۱) از اسبان جنگی فرود آمدند
- ۲) سیه زاغ پَران فرو برد سر
- ۳) یکی خنجر آبگون بر کشید
- ۴) یکی مهره بر بازوی من بیست

۵۶ در کدام گزینه آرایه «استعاره» به کار نرفته است؟

- ۱) اگر غم‌لشگر انگیزد که خون عاشقان ریزد
 - ۲) بیاتاکل برافشانیم می در ساغر اندازیم
 - ۳) چو در دست است رودی خوش بیزن مطرب سرودی خوش
 - ۴) صبا خاک وجود ما بدان عالی جناب انداز
- من و ساقی به هم سازیم و بنیادش بر اندازیم
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم
که دست افشان غزل خوانیم و یا کوبان سر اندازیم
بود کان شاه خوبان را نظر بر منظر اندازیم

۵۷ در کدام گزینه «استعاره» به کار رفته است؟

- ۱) گر به اقلیم عشق روی آری
 - ۲) از لعل تو گر یابم انگشتری زنهار
 - ۳) باز این چه شورش است که در خلق عالم است
 - ۴) عشق و درویشی وانگشت‌نمایی و ملامت
- همه آفاق، گلستان بینی
صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است
همه سهل است، تحمل نکنم بار جدایی

۵۸ در کدام بیت اضافه استعاری دیده نمی‌شود؟

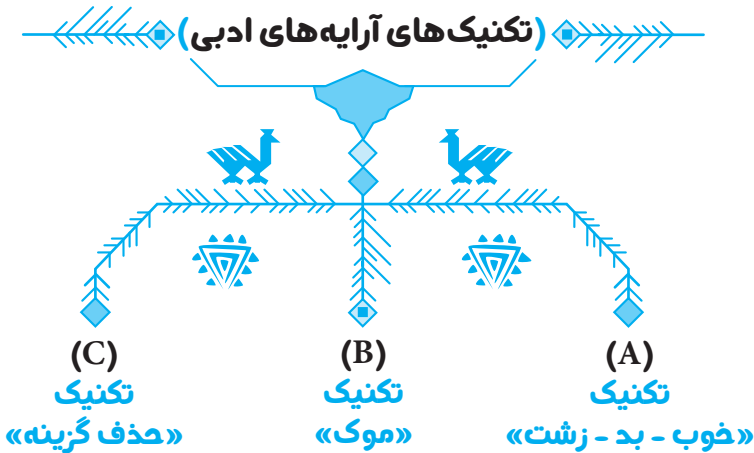
- ۱) تو را ز کنگره عرش می‌زنند صغیر
 - ۲) ما آبروی فقر و قناعت نمی‌بریم
 - ۳) به وقت گل شدم از توبه شراب خجل
 - ۴) شاه فلک از بزم تو در رقص و سماع است
- ندامت که در این دامگه چه افتاده است
با پادشه بگوی که روزی مقدر است
که کس مباد ز کردار ناصواب خجل
دست طرب از دامن این زمزمه مگسل



فصل سوم

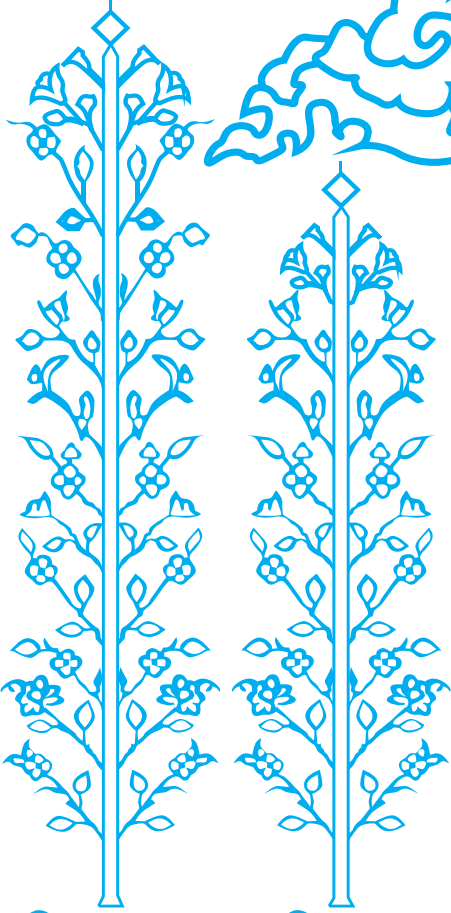
تکنیک‌ها و مدل‌ها

تکنیک‌هایی که در این فصل ارائه می‌دهم، برای مواجهه با تست‌های کلی و ترکیبی آرایه‌های ادبی است. می‌دانیم، بیشتر سؤالاتِ مبحث آرایه، سؤالات کلی و چند آرایه‌ای هستند. در این فصل یاد می‌گیرید چگونه به یک تست آرایه کلی ورود پیدا کنید و نحوه مواجهه باید چگونه باشد و در ضمن در کوتاه‌ترین زمان ممکن به جواب برسیم. ابتدا سه تکنیک اصلی را توضیح می‌دهم و سپس این تکنیک‌ها را با مثال‌هایی اجرا می‌کنم.



فصل چہارم

تست کلی و ترکیبی



تیپ A:

در این تیپ چندین آرایه در صورت سؤال و به همان تعداد، بیت داریم که تناظر آرایه‌ها و ابیات خواسته شده است. بدیهی است راه مواجهه با این تیپ، استفاده از تکنیک خوب - بد - زشت است و کمک گرفتن از حذف گزینه.



۳۵۱) ترتیب آرایه‌های «استعاره، تشبیه، پارادوکس و حسن تعلیل» در ابیات زیر کدام است؟

ریاضی ۹۸ - نظام جدید

- | | |
|--|--------------------------------|
| الف) دلم به پیش تومی خواست جان فرستاند | ولی کبوتر جان را نبود قوت بال |
| ب) زمیوه گرچه در این بوستان سبکباریم | همان چو سرو به آزادگی گرفتاریم |
| ج) مگر ای زلف ز حال دلم آگه شده‌ای | که پراکنده و شوریده و سرگردانی |
| د) خواهیم اندر پایش افتادن چو گوی | ور به چوگانم زند هیچش مگوی |
| ۱) الف)، ب)، د)، ج) | ۲) الف)، د)، ب)، ج) |
| ۳) ج)، د)، ب)، الف) | ۴) د)، ب)، الف)، ج) |

۳۵۲) ترتیب آرایه‌های «جناس، تشخیص، مجاز، تضاد» در کدام ابیات است؟

تجربی ۹۸ - نظام جدید

- | | |
|---|---|
| الف) پیش رفتار تو پا برنگرفت از خجلت | سروسرکش که به ناز از قد و قامت برخاست |
| ب) ای نسیم کوی معشوق این چه باد خرم است | تا کجا بودی که جانم تازه می گردد به بوی |
| ج) پی دیدن خرامش سر کوجه‌ها ستادم | پی جلوهٔ جمالش در خانه‌ها نشستم |
| د) چگونه از خط حکم تو سر بگردانم | که من مطیعم و حکم تو پیش بنده مطاع |
| ۱) الف)، ب)، د)، ج) | ۲) ب)، الف)، ج)، د) |
| ۳) ب)، الف)، د)، ج) | ۴) د)، ب)، ج)، الف) |

۳۵۳) آرایه‌های «اسلوب معادله، تلمیح، تشبیه، حس آمیزی» به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شود؟

انسانی ۹۸ - نظام جدید

- | | |
|---|---|
| الف) وصل، هجران است اگر دل‌هاز یکدیگر جداست | هجر باشد وصل اگر دل‌ها به هم پیوسته است |
| ب) آبی که زندگانی جاوید می‌دهد | دارد اگر وجود، شراب شبانه است |
| ج) نیست پروا عاشقان را از نگاه تلخ یار | دود خشک شمع ریحانِ تر پروانه است |
| د) از تهی مغزی است امید گشاد از ماه عید | ناخن تنها برای پشت سر خاریدن است |
| ۱) ج، ب، الف، د | ۲) ج، ب، د، الف |
| ۳) د، ب، الف، ج | ۴) د، ج، ب، الف |

۳۵۴ ترتیبِ ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های: «مجاز، حسن تعلیل، حس آمیزی، استعاره و ایهام»، کدام است؟

زبان ۹۸ - نظام جدید

الف) چو چشمه خضراشعر من روان افزاست
ب) گل امید من آن روز رنگ می‌گیرد
ج) مردم دریا نیندیشد ز طوفان زان سبب
د) سر پابوس تو دارم من و هیهات کجا
ه) فشانند سنبل و چون گل ز غنچه رخ بنمود

عجب مدار که آن عین آب حیوان است
که بشنوم ز لب لعل یار بوی شراب
مردم چشمم فرو برده است دایم سر در آب
نه چنان پایه چنین بی‌سر و پایی برسد
کشید قامت و چون سرو در چمن بنشست

۱) ب، ج، الف، ه، د

۲) ب، د، ه، ج، الف

۳) د، ج، ب، ه، الف

۴) د، ه، ب، الف، ج

۳۵۵ ترتیب ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های «مجاز، تشبیه، استعاره، ایهام تناسب و تلمیح» در

هنر ۹۸ - نظام جدید

کدام گزینه درست است؟

الف) می‌زند حلقه زلف تو در غارت جان
ب) گربدین شیوه کند چشم تو مردم رامست
ج) جان صوفی نشد از جام کدورت صافی
د) می به هشیارده ای ساقی مجلس که مرا
ه) خوردم از دست تو جامی که جهان جرعه اوست

توان با سر زلف تو به جانی در بست
توان گفت که در دور تو هشیاری هست
تا نشد در تن خم خانه چو دودی به نشست
نشته‌ای هست هنوز از می باقی الست
هر که زین دست خورد می پرود زود دوست

۱) ج، الف، د، ب، ه

۲) ج، ب، ه، الف، د

۳) ه، الف، ب، د، ج

۴) ه، ج، الف، ب، د

۳۵۶ آرایه‌های «تشبیه، مجاز، حس آمیزی و اسلوب معادله» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

خارج ۹۸ - نظام جدید

الف) چون نباشد عید طفلان صحبت رنگین من؟
ب) از خیال یار دل شد کعبه حاجت مرا
ج) غوطه در خون می دهد دل را فروغ داغ عشق
د) یک دل افسرده بی داغ از دم گرم نماند

می کند مجنون من دست نگارین سنگ را
نقش شیرین در نظرها ساخت شیرین سنگ را
می کند خورشید عالمتاب رنگین سنگ را
در بهار از لاله گردد چهره رنگین سنگ را

۱) (ب)، (الف)، (د)، (ج)

۲) (ب)، (د)، (الف)، (ج)

۳) (ج)، (ب)، (د)، (الف)

۴) (د)، (الف)، (ب)، (ج)

۳۵۷ آرایه‌های «مجاز، ایهام، حسن تعلیل و استعاره» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟

اختصاصی انسانی ۹۸- نظام جدید

الف) به خون از نعمت الوان فناعت کن که مشک تر
 ب) زمین قابل اگر بهر فکر می‌طلبی
 ج) غنچه دلگیر ما را برگ شکرخند نیست
 د) تا دور از آن لب شکرین همچونی شدیم
 ۱) ب، الف، ج، د (۲) ب، د، الف، ج (۳) ج، الف، د، ب، الف

۳۵۸ ترتیب ابیات زیر از لحاظ داشتن آرایه‌های (تشبیه، ایهام تناسب، اسلوب معادله، مجاز) کدام است؟

الف) گر نخواهد داد من امروز داد آن شاه‌حُسن
 ب) ما که بستیم به دل نقش قد موزونش
 ج) شکوفه شور فکنده است در گلستان‌ها
 د) دل چو شد غافل ز حق فرمان‌پذیر تن بود
 ۱) ج، ب، الف، د (۲) ج، ب، د، الف
 ۳) ب، ج، د، الف (۴) ب، ج، الف، د

۳۵۹ آرایه‌های «تشبیه، استعاره، حسن تعلیل، ایهام و اغراق» به ترتیب در کدام ابیات آمده است؟

الف) ز سوز شوق دلم شد کباب، دور از یار
 ب) یا رب به وقت گل گنه بنده عفو کن
 ج) بس که حرف حق کسی در دهر نتواند شنید
 د) ز تاب آتش سودای عشقش
 هـ) از آب دیده صد ره طوفان نوح دیدم
 ۱) د، ج، ب، هـ، الف (۲) د، ب، ج، الف، هـ
 ۳) هـ، ب، الف، ج، د (۴) ب، ج، الف، د، هـ

۳۶۰ آرایه‌های: «حسن آمیزی، تلمیح، کنایه و جناس تام» به ترتیب، در کدام ابیات وجود دارد؟

الف) گرچه صد بار غمت خاک مراداد به باد
 ب) چشمت به خواب چشم مرا خواب می‌برد
 ج) از سر یک دانه گندم در نمی‌آری گذشت
 د) چنان بر صورت شیرین این دیوانه مقتونم
 ۱) الف، ج، ب، د (۲) الف، د، ب، ج (۳) د، ج، الف، ب (۴) د، ب، الف، ج



فصل پنجم

پاسخ‌های تشریحی

۴۱- گزینه ۱

در سه گزینه (۲)، (۳) و (۴) کلمات خط کشیده شده در معنی اصلی به کار نرفته‌اند، بنابراین گردی زعفران‌رنگ، استعاره از نور خورشید، خون، استعاره از اشک و آفتاب، استعاره از زندگی و عمر می‌تواند باشد. اما مقصود از «رود»، رودخانه واقعی است.

۴۲- گزینه ۴

در این بیت استعاره‌ای دیده نمی‌شود. گزینه (۱): «بت» استعاره از تعلقات دنیوی گزینه (۲): «رفتن رود به جست‌وجو» تشخیص دارد که در نتیجه استعاره هم دارد. گزینه (۳): به «سحر» جان‌بخشی شده که تشخیص دارد، پس استعاره هم دارد.

۴۳- گزینه ۱

«آتش» استعاره از ظلم و ستم است. دقت کنید در گزینه (۲)، دادخواه صفت جانشین موصوف است، نه استعاره

۴۴- گزینه ۲

گزینه (۱): آهنین کوه: استعاره از عمرو
گزینه (۳): بازوی دین و شیر خدا: استعاره از حضرت علی / بازوی دین: اضافه استعاری /
ازدها: استعاره از عمرو
گزینه (۴): رخ کفر: اضافه استعاری

۴۵- گزینه ۱

«جوی‌ها» استعاره از اشک بسیار زیاد است. توضیح بیشتر: «بند بلا» و «زه‌آب دیدگان» هر دو اضافه تشبیهی هستند و آرایه ادبی تشبیه ایجاد کرده‌اند.

۴۶- گزینه ۴

در گزینه (۴) استعاره‌ای وجود ندارد، اما در سه گزینه دیگر تشخیص وجود دارد که آن هم استعاره است.

۴۷- گزینه ۴

گزینه (۱): دام (مشکلات)
گزینه (۲): شیر (رستم)
گزینه (۳): چراغ مصراع دوم (چشم)

۴۸- گزینه ۲

«درخت گل» استعاره از «معشوق زیبا و خوش‌اندام» است!

۴۹- گزینه ۲

«نرگس» استعاره از «چشم» است!

۵۰- گزینه ۲

«روح باران» اضافه استعاری است، چراکه باران را به انسانی تشبیه کرده است و روح را که از اجزای انسان است به عنوان مضاف آورده است.

* بقیه گزینه‌ها اضافه تشبیهی هستند.

۵۱- گزینه ۴

گزینه (۱): مفعول: باران اشک (تشبیه)
گزینه (۲): مفعول: ظلمت جهل (تشبیه)
گزینه (۳): مفعول: دیو نفس (تشبیه)
گزینه (۴): مفعول: دیو (استعاره از نفس)

۵۲- گزینه ۱

«دامگه» استعاره از «دنیا»

۵۳- گزینه ۲

«طاق بلند» استعاره از «آسمان!»

۵۴- گزینه ۱

«چشم دل» اضافه استعاری است، چراکه مضاف‌الیه را (دل) به انسانی تشبیه کرده‌ایم که یکی از اجزای آن (چشم) را به عنوان مضاف آورده‌ایم.

* بقیه گزینه‌ها اضافه تشبیهی هستند.

۵۵- گزینه ۲

«سیه زاغ پَران» استعاره از شب است. (یعنی روز شد.)

* در اضافه استعاری، کلمه دوم (مضاف‌الیه) را به چیزی تشبیه می‌کنیم و آن چیز را نمی‌آوریم و کلمه اول (مضاف) از اجزا یا خصوصیات آن چیز است.

۶۲- گزینۀ ۴

شتاب مرگ ← مرگ به انسانی تشبیه شده است که شتاب می‌کند. / طرّه پرچین عشق ← عشق به انسانی تشبیه شده است که طرّه پرچین دارد. / قفای مراقبت ← مراقبت به انسانی تشبیه شده است که قفا دارد. / گریبان مکاشفت ← مکاشفت به انسانی تشبیه شده است که گریبان دارد.

۶۳- گزینۀ ۴

استعاره‌ها: «رخ اندیشه (اضافه استعاری) - زلف سخن (اضافه استعاری) - شمس (معشوق) - قمر (معشوق) - سمع (معشوق) - بصر (معشوق) - کان‌زر (معشوق)»
* ابیات سوم و چهارم هیچ استعاره‌ای ندارند!! (نکته انحرافی بود...)
* «سیم بر» بیت دوم صفت جانشین موصوف است نه استعاره!

۶۴- گزینۀ ۴

گزینۀ (۱): شکر فروش (معشوق) / طوطی شکرخا (عاشق)
گزینۀ (۳): غزال رعنا (معشوق) / صبا بگو (تشخیص دارد، پس استعاره هم دارد!)
گزینۀ (۴): گل (معشوق) / عندلیب رعنا (عاشق) دقت کنید که در گزینۀ (۲)، «سهی قدان» و «سیه چشم» هر دو صفت جانشین موصوف‌اند پس استعاره نیستند؛ همچنين «ماه‌سیما» نیز تشبیه است نه استعاره (سیمای چون ماه).
* هر تشخیصی استعاره است (نه برعکس).
* صفت جانشین موصوف استعاره نیست.

۵۶- گزینۀ ۴

گزینۀ (۱): لشگر انگیختن غم (تشخیص ← استعاره)
گزینۀ (۲): سقفِ فلک (اضافه استعاری)
گزینۀ (۴): با باد صبا حرف زدن (تشخیص ← استعاره)

۵۷- گزینۀ ۴

«لعل» استعاره است از «لب».

۵۸- گزینۀ ۴

گزینۀ (۱): کنگره عرش
گزینۀ (۲): آبروی فقر
گزینۀ (۴): دست طرب

۵۹- گزینۀ ۴

«سرو سمن چهر» استعاره از معشوق است.

۶۰- گزینۀ ۱

گزینۀ (۲): «پیشگاه حقیقت» تشخیص دارد. (پس استعاره هم دارد.)
گزینۀ (۳): «پای دل» تشخیص دارد. (پس استعاره هم دارد.)
گزینۀ (۴): «خندیدن گل» تشخیص دارد. (پس استعاره هم دارد.)
* این ۱۰۰۰ بار: هر تشخیصی استعاره است. (نه برعکس!)

۶۱- گزینۀ ۴

سینه کویر ← کویر به انسانی تشبیه شده است که سینه دارد. / آغوش خوش‌بختی ← خوش‌بختی به انسانی تشبیه شده است که آغوش دارد. / سقف شب: شب به اتاقی تشبیه شده است که سقف دارد. / دست طبیعت ← طبیعت به انسانی تشبیه شده است که دست دارد.